

یونان قدیم

زندگی در این دولت شهر ها

یونانی ها شهرهای خود را با یک برج بزرگ بر سر یک کوه که خود شهر پائین تر از آن، اعمار می کردند. اطراف خانه ها، کارگاه ها و مغازه ها دیوارهای بلند سنگی ، چون محافظ در مقابل دشمن اگر جنگ رخ می داد، ساخته می شد. همه شهر ها یک چوک یا میدان می داشت، که آگورا نامیده می شد، جائیکه مردم برای صحبت و خرید و فروش گرد می آمدند. شهرداری هم در آنجا می بود، معمولا مردان آزاد آنجا برای بحث نمودن روی مسائل مهم می رفتند. شهر ها اغلب یک محل ورزش و یک تئاتر هوای آزاد در حومه خود می داشتند. یونانی معتقد بودند که بدن سالم به اندازه کار و مکتب رفتن مهم است.



در چوک آتن (سی مورسیو)

نیم جمعیت شهرها را برده ها تشکیل می دادند. اکثریت آنها زندانیان جنگی بودند که یکجا با غلات، حیوانات خانگی و دیگر اجناس خرید و فروش می شدند. بردگان روی زمین، در معادن و سنگ بری و خانه سازی کار می کردند. بعضی برده ها معلمان و داکتران بودند. زنان که با مردان آزاد مزدوج می بودند، اغلب در خانه بودند. آنها مسئولیت تربیه کودکان، و قربانی کردن برای خدایان منزل را به عهده داشتند.

برده ها و کنیزان برای آنها غذا می پختند و مرتب می نمودند. مرد خانه تمام خرید را انجام می داد. او صبح زود می رفت و شب تا دیر وقت بر نمی گشت. وقتیکه بر می گشت خرید خانه را انجام داده ، با مردان دیگر صحبت نموده و شاید در ورزش و شکار هم سهم گرفته بود. اگر مهمان با خود میداشت زن خانه باید آنها را نمی دید، در عین حال مهمانان با رقص و آواز خوانی بردگان خوش می گذراندند.



یک مکتب در فضای باز در آتن ویکی کمونس

تنها پسران می توانستند به مکتب یا مدرسه بروند. آنها از شش سالگی شروع نموده و در پانزده سالگی ختم می کردند. دختران باید خانه می بودند و نظم خانه و تربیت کودکان را فرا می گرفتند. اکثریت دختران زمانیکه تقریباً پانزده سال می داشتند، ازدواج می کردند.

آتن

مردان آتن وقت زیادی را به بحث و تصمیم در مورد چگونگی اداره و پیشبرد همان دولت شهر استفاده می کردند. آنها که نظر خود را می گفتند، مردان آزاد و بزرگ شده آن شهر بودند. بعد از هر ۹ روز یک تجمع مردمی می بود. در جلسات یا تجمع مردمی قوانین ساخته می شد، مالیات تعیین می شد و تصمیم مهم اتخاذ می گردید. چندین هزار نفر برای سهم گیری در بحث ها شرکت می نمودند. یک قانون این بود که تا ۶۰۰۰ عضو در جلسات نیامده می بودند، جلسات نمی توانست آغاز گردد. مردان با بلند کردن دستان شان به تائید و یا رد یک قانون رای می دادند. آتنی ها این را دموکراسی می نامیدند، با آنکه زنان، بردگان و مهاجران نمی توانستند در رای گیری شرکت کنند.



بزرگترین سخنران مردمی پیریکلِس به اهالی آتن صحبت می کند ویکی کمونس

آنهائیکه باید وظایف مهم شهر را رهبری می کردند توسط قرعه کشی انتخاب می شدند. آنها هم چنین برای انتخاب قاضی ها دادگاه ها و داوران ورزش نیز قرعه کشی میکردند. سال یک بار آتنی ها در مورد کسانیکه باید از شهر رانده شوند تصمیم می گرفتند. مردم که دچار رسوائی می شدند، و نامطلوب می بودند، خطر این بود که تا ده سال مجبور به ترک شهر می شدند.

اسپارتا

آتن اکثرا با اسپارتا که یک شهر جنگی محسوب می شد، در جنگ می بود. مردان جنگاوران خوب بودند برای اینکه آنها برای جنگجو بودن تربیه می شدند. پسر ها از هفت تا ۳۰ سالگی در کمپ های نظامی زندگی می کردند. آنجا تمرینات دشوار و انضباط شدید حکمفرما بود. آنها غذا کم و لباس نامناسب بدست می آوردند. بهترین شیوه که می توانستند زنده بمانند، فراگیری دزدی کردن بود. اسپارتهای باور داشتند که پسران با داشتن زندگی بد، جنگجویان خوبی می شدند. خدمات نظامی برای مردان تا سن ۶۰ سالگی در صورتیکه زنده می ماندند، ادامه می یافت.



یک مجسمه از اسپارت ها و یک نسخه امروزی از ویکی کمونس

جنگجویان اسپارت ها موی دراز و بالاپوش سرخ داشتند، از همینرو شناخت دوباره این جنگجویان بدنام آسان بود. اگر این جنگاوران در یک جنگ پیروز نمی شدند باید می رزمیدند تا همه می مردند. کسی حق نداشت بدون پیروزی در یک جنگ خانه می رفت.

زنان در اسپارتا در مقایسه با دیگر دولت شهر ها از آزادی بیشتری داشتند، زیرا مردان بیشتر از خانواده خود دور بودند. این مهم بود که دختران و زنان ورزشکاران خوب می بودند، اندام سالم می داشتند تا کودکان سالم بدنیا می آوردند. تولد پسران ترجیح داده می شدند، و اتفاق می افتاد که نوزاد دختر را در جنگل رها می نمودند. چندین بار رخ دادن آن از جانب دیگران، به بردگی دختران می انجامید.

تمرینات

به سوالات پاسخ دهید

- ۱- یونانی ها به چوک یا میدان شهر که مردم جمع می شدند و باهم صحبت میکردند، چه می نامیدند؟
- ۲- کیها می توانستند به مکتب آتن بروند؟
- ۳- جلسات مردمی چه تصامیم می گرفتند؟
- ۴- چگونه آتنی ها آنانی را که وظایف مهم را رهبری میکردند، انتخاب می نمودند؟
- ۵- جنگجویان اسوارتا را چگونه دوباره می شناختند؟